

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۵ می ۲۰۲۲

## نرم بری و قطره چکانی چینی ها و سیری ناپذیری طالب!

چهارشنبه - ۱۴ ثور ۱۴۰۱ - یادداشت امروز ما را نخست با یک شبه فکاهی آغاز می نمایم:

گویند چند تن از ملایک که از فعالیت های شیطان و توانائی هایش در مبارزه با خدا و پیمبرانش کاملاً حیران مانده بودند، روزی یک دل نه صد دل کرده با اجازه خدا به ملاقات شیطان رفتند تا از تقسیم اوقاتش که چنین موفقانه آن را تنظیم نموده و می تواند در تمام جهان همیشه حضور داشته باشد و اگر انصافاً دیده شود، پیرواش ۱۰ چند و حتا ۲۰ چند پیروان خداست، پرسش نمایند.

شیطان خلاف تفرعن همیشگی وقتی چند ملک درمانده و زبانبسته را مقابل خود دید که می خواهند راز موفقیت هایش را جويا شوند، بسیار صمیمانه از آنها استقبال نموده گفت: من کار سختی انجام نمی دهم ضمن آن که در پنج روز هفته تمام کارهایم را انجام می دهم برای خودم نیز دو روز باقی می ماند تا مشکلاتم را رفع کنم.

ملایک که از این جواب قانع نشده بودند، خواستار توضیح بیشتر شدند. شیطان در پاسخ گفت:

من برای رسدن به موفقیت جهان را چنان تقسیم نموده ام که برای هر یک از مذاهب ابراهیمی یک روز را اختصاص داده ام. یعنی جمعه، شنبه و یکشنبه به ادیای اسلام، یهودیت و مسیحیت، اختصاص یافته است در هر یک از حوزه های این ادیان چند شاگرد خوب هم تربیت نموده ام که بدون من هم می توانند با برگرداندن مردم از خدا، دل خدا را سیاه نمایند، روز دوشنبه را گذاشته ام برای تمام ادیان غیر ابراهیمی از بودائی گرفته تا برهنی و هندوئی و ...، در روز سه شنبه هم لائیک ها و خداناباوران و اتیست ها را به راه می آورم.

ملایک که تا اینجا با دقت گوشش داده بودند، گفتند: پس دو روز دیگر حتماً روز های خوشگزرانی و لذت بردن از دنیا برای خودت است. شیطان که تا آنزمان با طمانیه و اعتماد به نفس خاصی صحبت می نمود و از وجناتش موفقیت و قدرت می یارید، به یک باره به مانند یک کتله برف که در مقابل شعاع آفتاب، آب شده هر لحظه کوچکتر شده می رود، در ضمن بیان مشکلات دو روز بعدی لحظه به لحظه کوچک و کوچکتر شده با کشیدن آه عمیقی از سینه اش گفت:

برداران کاشکی آن طور می بود که شما می گوئید، عکس تصور شما، روز های چهار شنبه و پنجشنبه سختترین روز های زندگی ام هستند و چون حالت استفسار ملایک را دید گفت:

من در آن دو روز ناگزیرم خودم بروم شاگرد شوم و درس بگیرم، یک پایم در حوزه علمیة قم است پای دیگر در حوزه علمیة نجف، هنوز عرق پایم در این دو جای خشک نشده که خبر کشف جدید از ازر و یا جده و یا مدرسه حقانیه و یا

سایر مدارس می رسد و من به خاطر آن که از دروس استادان خودم یعنی مدرسین آن حوزه ها عقب نمانم، به مانند فریره بین آنها در رفت و آمد می باشم. اگر چنان نکم آن مدارس خودم را سوار خواهند شد.

\*\*\*\*\*

هرچند بعد از تحولات اخیر پاکستان و پیروزی کودتای امریکائی در پاکستان، طالب و نظام ملاسالار جرأت نمی کنند تا به مانند ماه های حاکمیت عمران خان، با چین مغزله و معانقه کنند، با آنها تا جائی که دیده می شود چینی ها بدون آن که تحولات سیاسی پاکستان را به رخ بیاورند می کوشند تا ضمن ارائه کمک با همان خاصیت قطره چکانی یعنی برای زنده ماندن کم و برای مردن بیش، در نشرات شان نیز آهسته آهسته از طالب و نظام ملاسالار قبح زدائی نمایند. هموطنان گرامی!

آنهاست که با طرز العمل های سیاسی چینی ها آشنائی دارند، می گویند چینی ها در بازتاب و معرفی نام خارجی ها و بازگویی کمالات شان آنقدر خسیس اند که تا یا به کسی دوصد درصد اطمینان نداشته باشند و یا این که هدف شان خر ساختن طرف مقابل نباشد، هیچ گاهی نام همچو افراد را در رسانه های خود تذکار نمی دهند. وقتی از چنین منظری به گزارش نماز عید طالب در قندهار تحت امامت "ملا هبت الله" و اشک شوق نمازگزاران در یکی از رسانه های چینی در روز گذشته برخورد می نمایم، باید متوجه باشیم که ترتیب چنان گزارشی، غیر مستقیم ارسال پیام به ملا هبت الله و نظام ملاسالار است که ما در آینده نزدیک شما را به رسمیت خواهیم شناخت. هموطنان گرامی!

علی رغم آن که نزد تمام جهان سیاست گزاران و سیاستمداران چینی به پیگیری مؤدبانه حتا با نیرنگ و فریب معروف اند، مگر این را نمی دانم که آیا آنها واقعاً ملا و آخند را که همه فارغ التحصل مدارس اند که شیطان تازه به شاگردی آنجا می رود، می شناسند و یا خیر؟ آیا چیزی در مورد "شکم سید تغار خدا، شکم ملا پناه به خدا" به گوش شان رسیده و یا خیر؟ آیا این را می دانند که برای طالب و ملا، هدف همیشه وسیله را توجیه کرده، ظرف ۲۴ ساعت ده ها بار بیشتر از میمون "تورمداری" معلق می زنند؟ این را می دانند که به تنها چیزی که از قشر ملا و آخند می باید باور کرد همین است که آنها غیر قابل باوراند؟! و... هموطنان گرامی!

بر مبنای شناخت تجربی که خودم طی بیش از چهار دهه آنگار از قشر ملا و آخند بدان دست یافته ام، می توانم بگویم که عشق کنونی بین چین و نظام ملاسالار اگر در ظاهراً با سوز و گداز زلیخا و مجنون هم آشکار گردد، عشقی است گذرا؛ یعنی به محض این که طالب و نظام ملاسالار از جای دیگری چراغ سبز روشنتر و جیب پر پولی را ببینند، به مانند برق آغوش شان را عوض می نمایند. این عشق فقط در دو صورت می تواند به یک پیوند زناشویی تکامل یابد، یا چینی ها را سرکیه را باز گذارند و اشتهای سیری ناپذیر طالب را تسکین دهند و یا هم در جهان کس دیگری برای این عجزه هزار داماد و دامن دریده خریدار پیدا نشود.

**مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل**

**و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد**

**تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!**

- یادداشت: در تمام نوشته وقتی "چینی ها" نوشته ام منظورم سیاستمداران و زمامداران کنونی آن کشور اند، احترام ما به خلق چین به مانند خلقهای سراسر جهان خدشته ناپذیر است. ع.ق.